

عنوان مقاله:

بررسی واکه های القاگر در نامه ۱۰ نهج البلاغه بر مبنای نظریه موريس گرامون با روش زبانشناسی رایانشی

محل انتشار:

ششمین کنفرانس ملی مطالعات میان رشته ای علوم دینی و حوزوی (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

نویسندگان:

مصطفی ابراهیمی - کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، قم

صاحبه شه پوشان - دانشجوی کارشناسی علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم

محمدرضا باقری مفرد - دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج البلاغه، دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب

خلاصه مقاله:

زبان، مجموعه ی آواهایی است که القاگر احساسات و عواطف گونه گون و انگارهایی از رنگ ها و رایحه ها هستند؛ بدین ترتیب، زبان، توده ای از آواها و نشانه های نابسامان نیست؛ بلکه شبکه ای است نظام مد؛ و درهمیافته از لایه ها و پیوندها یعنی هر پاره از گفتار یا متن، از خلال همکاری و پیوستگی همه سطوح زبانی متمایز، سازماندهی می شود. هدف پژوهش حاضر، تحلیل و ارزیابی آواهای القاگر در نامه ی ۱۰ نهج البلاغه که حضرت با لحنی تند خطاب به معاویه می نگارد، است. یکی از مباحث برجسته ای که باید در نهج البلاغه به عنوان اثری ادبی و بلاغی مورد توجه قرار گیرد، بحث آواها و القاهاست. این تحقیق تلاش دارد تا بر بنیاد نظریه موريس گرامون، زبانشناس نامدار فرانسوی به خوانش و تحلیل القاگری آواها در نهج البلاغه دست یابد و در این راستا با کاربرست روش توصیفی-تحلیلی به بررسی نشانه ها و شاخصه های موسیقایی نهج البلاغه واکه ها و همخوان ها بپردازد خوانش و تحلیل رایانشی نهج البلاغه بر بنیاد نظریه آواهای القاگر گرامون نشان می دهد که مناسب با مضامین خطب و نامه های نهج البلاغه با واکه ها و همخوان های پربسامد در آنها همخوانی دارد و البته باید توجه داشت که این رویکرد به دلیل ورود از زبان فرانسه به زبان عربی در جاهایی احتیاج به بازنگری و تصحیح با ویژگی های زبان عربی دارد. نتایج بیانگر انسجام درون متنی نامه بوده و موضوع مورد اهمیت که القاگری آواها در این نامه را مورد تأیید قرار می دهد، کاربرد واکه ها و همخوان ها، با توجه به بارمعنایی شان در فرازهایی از نامه است که بسامد این همخوان ها و واکه ها برای انتقال معانی به مخاطبان، با ارائه جدول های آماری نشان داده شده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که نهج البلاغه نیز از این ویژگی برخوردار است و انتقال مقصود و معنا با تکرار واکه ها و همخوان ها، تأثیر ژرفی بر شنونده و خواننده آن گذاشته و وی را به سوی معنا رهنمون ساخته است. همچنین بررسی ها نشان می دهد که بیشترین بسامد در میان واکه ها، مختص واکه ی درخشان برای بیان تند و خشن کاربرد دارد و در میانه همخوان ها، مختص همخوان ستایشی می باشد که برای تداعی و القای حس شدت و استقامت و همچنین کلامتهدید آمیز به کار رفته است.

کلمات کلیدی:

نهج البلاغه، آواها، واکه ها، همخوان ها، زبان شناسی رایانشی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1706577>

